

Prerequisites for Quranic Research from Perspective of Ayatollah Khamenei

Zohre Akhavan Moghadam *

*Associate Professor, Department of Quranic Sciences, Quranic Sciences and Education University,
Faculty of Quranic Sciences, Tebran, Iran*

Abstract

The Holy Quran- which is the word of God- has come to guide humanity and, for various Aqli and Naqli (Aqli is conventional knowledge, while Naqli is revealed knowledge sourced from Quran and Sunnah) reasons, it requires interpretation. Therefore, understanding the purpose of God in revealing this Divine Book makes the need to be familiar with the prerequisites of Quranic studies more apparent. Achieving a coherent set of prerequisites for Quranic research based on Ayatollah Khamenei's system of thoughts and beliefs is the main objective of the present writing. This paper, with a focus on the Quran and the statements of Ayatollah Khamenei, uses a descriptive-analytical method to infer and extract these research prerequisites of the Holy Quran. The main question that we face in the present research is: What are the prerequisites of Quranic research based on Ayatollah Khamenei's comments? Acquaintance with the Quran; Quran centrality; Referring to the Hadiths of the Infallible Imams (AS) with purification; Discovering the governing structure of the Quran; Paying attention to the "progressive and reformist" nature of the Quran; Paying attention to the layered and luminous nature of the Quran; Concentrating on Quranic sciences; and the authority of the Quran are among the most important findings of this research.

Keywords: Quranic language, bases and methods of interpretation, Quranic studies, leadership, tradition, comprehensiveness of the Quran.

* Email: akhavan.mo@quran.ac.ir (Corresponding Author)

پیش‌نیازهای تحقیق در قرآن کریم، از دیدگاه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

| زهره اخوان مقدم* | دانشیار گروه علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآن
تهران، ایران

چکیده

قرآن، سخن خدا برای بشر است و به دلایل متعدد عقلی و نقلی نیاز به تفسیر دارد. از این رو توجه به فهم و درک مقصود خداوند از نزول این کلام و حیاتی، ضرورت آشنایی با پیش‌نیازهای قرآن پژوهی را آشکارتر می‌سازد. دست‌یابی به مجموعه‌ای منسجم از پیش‌نیازهای پژوهش قرآنی مستند به نظام فکری - عقیدتی رهبری، هدف اصلی این نوشتار است. نوشتار حاضر با محوریت قرآن و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به روش توصیفی - تحلیلی در پی استنباط و استخراج این پیش‌نیازهای پژوهشی قرآن کریم می‌باشد. اصلی‌ترین پرسشی که در تحقیق فرارو با آن مواجه هستیم، این است که پیش‌نیازهای قرآن پژوهی، مستخرج از بیانات ایشان کدامند؟ آشنایی با قرآن؛ قرآن‌محوری؛ رجوع به احادیث معصومان علیهم‌السلام، ولی همراه با پالایش، کشف ساختار حاکم بر قرآن؛ توجه به ذات «پیشرفت‌گرا و تحول‌خواه» قرآن؛ توجه به لایه‌ای بودن و نور بودن قرآن؛ انس با قرآن، توجه به علوم قرآنی و مرجعیت قرآن از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش هستند.

واژگان کلیدی: زبان قرآن، مبانی و روش تفسیر، قرآن‌پژوهی، آیت‌الله خامنه‌ای، سنت، جامعیت قرآن.

مقدمه

قرآن کریم تنها نسخه شفابخش و هدایت‌کننده بشر به سوی غایت وجودی خویش و تحقق هدف خلقت بر مبنای فطرت انسانی است. این نامه الهی می‌تواند پاسخ‌گوی همه نیازهای جنس بشر در تمام ابعاد مادی و معنوی باشد که با استناد به همین مُصحف شریف و توجه به جامعیت این پیام آسمانی در هر عصر و مصری برای همگان، در حد خودشان قابل فهم است (قمر، ۲۲). ولی با توجه به مصدر و مقصد نزول کلام وحی، نیازمندی آن به شرح و تفسیر آشکارتر می‌شود. خداوند وظیفه تبلیغ و تبیین آن را برعهده پیامبر (ص) و صاحبان خرد گذاشته است (نحل، ۴۴). این بدان معنی است که از یک طرف مُجمل‌گویی و کلی‌گویی قرآن که اصول معارف و مبانی احکام را بیان کرده است؛ و معارف فراوان و محتوای عالی در قالب واژگان محدود، چندسطحی بودن قرآن، وجود لغات مشکل و غریب، وجود برخی مفاهیم غیرمادی و مافوق بشری، وجود تشابهات، اهداف عالی، احکام مُجمل و کلی که نیازمند توضیح و بیان جزئیات هستند، جاری کردن قرآن بر مصادیق جدید از جمله این ویژگی‌ها هستند (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۹/۱-۳۶). برای نمونه آنجاکه در قرآن از جنبه‌ای سخن به میان آورده که از زمین خارج خواهد شد و با مردم سخن خواهد گفت (نمل، ۸۲). از طرف دیگر خداوند در قرآن کریم مردم را به تدبیر در آیات دعوت فرموده است (ص، ۲۹) (نساء، ۸۲)، ضمن اینکه به برتری آن بر کلام بشر نیز در روایات اشاره شده، آنجاکه پیامبر (ص) در این باره می‌فرماید: «فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ» «برتری قرآن بر سایر سخن‌ها، مانند برتری خود خداست بر مخلوقات اش». همچنین جامعیت قرآن و عدم تحریف آن در گذر زمان و نیاز همه انسان‌ها در همه اعصار ذو بطون بودن کلام آسمانی را می‌طلبد که در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نیز انعکاس یافته است. ایشان در این باره می‌فرماید: قرآن همیشه زنده است، قرآن نیازهای بشر را مورد توجه قرار می‌دهد، بشر پیام انبیا را کم دارد، بشر نسخه آرامش‌بخش و آسایش‌بخش انبیا را در دست ندارد یا به آن عمل نمی‌کند، بدبختی‌ها از این جاست (مراسم اختتامیه مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۷۷/۹/۱). نیازمندی قرآن به تفسیر علاوه بر خصوصیات خود کتاب به تنوع مخاطبان که مقصد نزول کلام وحی هستند؛ نیز برمی‌گردد. مخاطبان قرآن دارای سطوح علمی متعدد هستند و میزان فهم برابر ندارند. شکی نیست که قرآن را باید تفسیر کرد، اما فهم و تفسیر قرآن مبتنی بر مجموعه‌ای از مبادی و پیش‌نیازهایی است که بدون آن‌ها پژوهش صحیح ممکن نیست. این پیش‌نیازها از دو جنس هستند: برخی از جنس معرفت و آمادگی‌های دانشی و علمی هستند و برخی از جنس غیر معرفتی؛ یعنی ظرفیت معنوی و میزان تهذیب نفس. پس پاک‌ی دل در کنار آشنایی با زبان عربی و زبان قرآن و نیز علوم متعدد دیگر، زمینه‌ساز فهم صحیح قرآن

می‌باشند. آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با بانوان قرآن‌پژوه فرمودند: «یک نکته مهم در کارهای پژوهشی قرآنی این است که فردی که می‌خواهد در طریق قرآن حرکت کند، باید دل را برای مواجهه با حقیقت ناب آماده سازد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸). ایشان بر آگاهی مفسر از علوم لازم برای تفسیر نیز تأکید می‌کنند و پاکی دل به‌تنهایی را کافی نمی‌دانند. نظر به تحقیق مختصری که نگارنده در این موضوع انجام داده، پژوهش مستقلی در این زمینه انجام نشده در مقاله‌ای با عنوان پیش‌نیازهای علم تفسیر بر پایه مقدمه تفاسیر قرآن که توسط نهله غروی نایینی و حمید ایماندار در سال ۱۳۸۹ شمسی به رشته تحریر درآمده است؛ علوم پیش‌نیاز تفسیر و اینکه غالب مفسران به آنچه در ابتدای تفسیرشان در مبحث پیش‌نیازهای تفسیر اشاره داشته‌اند؛ ولی در مقام عمل، بدان مقید نبوده‌اند، اشاره شده است (غروی نایینی، نهله، ایماندار، ۱۳۸۹). پژوهشگران معاصر در مقاله دیگری به نام نقش پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌ها در تفسیر قرآن کریم از منظر آیت‌الله جوادی‌آملی که در سال ۱۳۹۲ نگاشته شده است، به بررسی تطبیقی میزان دخالت پیش‌فرض‌ها و پیش‌فهم‌های تفسیر از نگاه آیت‌الله جوادی پرداخته‌اند (حاجی‌اسماعیلی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین می‌توان از کتاب پژوهش‌های قرآنی نام برد توسط سیدمحمدباقر صدر که نویسنده در این کتاب تلاش نموده به بررسی و شناخت علوم قرآنی، تفسیر و به‌خصوص تفاسیر شیعه و سنی بپردازد (صدر، ۱۳۹۵). گفتنی است که سازمان دارالقرآن، کتابی با نام «قرآن در کلام رهبری» چاپ کرده که نوشته حسین فرجی و موسی صفی‌خانی است و مشتمل بر پیام‌ها و سخنرانی‌های رهبری درباره قرآن از سال ۶۱ تا ۹۰ می‌باشد و شش فصل دارد: ویژگی‌های قرآن، تدبیر و عمل به قرآن، رسالت ما نسبت به قرآن، آموزش‌های قرآنی، قرآن و انقلاب اسلامی و قرآن و جهان اسلام. بدیهی است که موضوع مورد بحث، در کتاب مزبور وجود ندارد.

پژوهش فرارو می‌کوشد تا به شیوه توصیفی - تحلیلی پس از بحث مفهوم‌شناسی واژه‌های کلیدی، به استنباط و استخراج پیش‌نیازهای لازم برای پژوهش‌های قرآنی از لابه‌لای بیانات بپردازد. در این خصوص، آشنایی با قرآن و جایگاه محوری این کتاب در زندگی مادی و معنوی انسان به‌عنوان پیش‌نیازهای اولیه بررسی و در گام نهایی توجه به علوم قرآنی و مرجعیت قرآن مورد توجه قرار گرفته است. شایان ذکر است که پیش‌نیازهای مطرح‌شده در نوشتار حاضر، برگرفته از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در محفل‌های اُنس با قرآن، شرف‌یابی قاریان قرآن قبل و بعد از مسابقات مختلف قرآنی، جمع‌آوری و استنباط شده است.

۱. تحقیق در لغت و اصطلاح

واژه تحقیق از حیث صرفی، مصدر باب تفعیل از ریشه «ح ق ق» است و به معنای قرار دادن هر چیزی در جای درست خود می‌باشد. عرب هنگامی که دو لنگه باب (یعنی درهای قدیم) درست موازی هم و در کنار هم قرار می‌گرفت تا چوب مربوطه بتواند از حلقه‌ها به راحتی رد شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۵۱۹/۱). از این ریشه سود می‌جست و می‌گفت: «حَقَّ البَابُ». قرآن کریم از همین ریشه، سود جست و مفهومی با عنوان «حق» و «حقیقت» را ایجاد کرده و بارها به کار برده است. معمولاً دو واژه تحقیق و پژوهش یکسان به کار برده می‌شوند. واژه پژوهش، اسم مصدر از فعل پژوهیدن و به معنای «جست‌وجو و بررسی» است و سابقه آن در فارسی کهن، زیاد است. برای مثال فردوسی در بیان قضیه خواب دیدن ضحاک، آنجا که دستور به یافتن مُعَبَّر می‌دهد، چنین سروده:

ز هر کشوری گرد کن مهتران از اخترشناسان و افسون‌گران

سخن سربه‌سر مهتران را بگوی پژوهش کن و راستی باز جوی

علامه دهخدا واژه پژوه معاصر می‌گوید: تحقیق یعنی به کُنّه مطلب رسیدن و واقعیت چیزی را به دست آوردن (دهخدا، ۱۳۳۱).

تحقیق در اصطلاح یک عملیات منظم است که مشتمل بر مراحل می‌باشد که در نتیجه آن پاسخ‌هایی برای پرسش مورد نظر پیرامون موضوع تحقیق به دست آید. این تعریف خود حاکی از آن است که در تحقیق، حتماً باید «سوالی» وجود داشته باشد که در مقام یافتن پاسخ آن باشیم. از همین رو برخی محققان معاصر معتقدند که: تألیف، تصحیح متون، ترجمه، تفسیر و شرح یک متن، احیای نسخه‌های خطی از نوع تحقیق به حساب نمی‌آیند، چون در مقام پاسخ به پرسش نیستند؛ اگرچه فعالیت‌های علمی مفید و قابل توجهی می‌باشند.

۲. تحقیق قرآنی

هر پژوهشی که درباره قرآن انجام شود، می‌تواند تحقیق قرآنی نام بگیرد که وجه اشتراک آن‌ها، شناخت قرآن و پی بردن به شئون آن می‌باشد و این عنوان با نام «قرآن پژوهی» نیز شهرت دارد. پسوند «پژوهی» نوساخته است و بعد از انقلاب، رائج شد و به دنبال کلمات متعددی می‌آید، مانند: حافظ پژوهی؛ دین پژوهی؛ شاهنامه پژوهی و... در مورد علت رواج این پسوند گفته‌اند که پیش‌تر به جای آن، پسوند «شناسی» کاربرد داشت، ولی این پسوند، کمی ادعای گزاف و غرور را تداعی می‌کرد. کیست که ادعا کند همه شعرهای حافظ را با تمامی نسخه‌های آن می‌شناسم؛ چه رسد به قرآن‌شناسی و دین‌شناسی. بنابراین پسوند «پژوهی» فروتنانه و متواضعانه است و گویا گوینده ادعایی بر شناخت کامل ندارد.

به‌هرروی تحقیق یا پژوهش قرآنی، پیش‌نیازهایی را نیاز دارد که مقاله حاضر در پی تبیین آن‌هاست و البته این تبیین براساس فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای خواهد بود.

۳. پیش‌نیازهای لازم برای پژوهش‌های قرآنی

براساس فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای، مواردی با عنوان پیش‌نیازهای مطالعات و پژوهش‌های قرآنی قابل استنباط است که در ذیل به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرند و هیچ قرآن‌پژوهی از آن‌ها بی‌نیاز نیست.

۱-۳. آشنایی با قرآن

یکی از کمبودهای مهم در مطالعات قرآنی، عدم شناخت کافی نسبت به خود قرآن است. به‌همین خاطر آشنایی با قرآن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای قرآن‌پژوهی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد. اگر از دانشجویان این‌گونه رشته‌ها، حتی در مقاطع تکمیلی پرسید که قرآن در مورد خودش چه اوصافی به‌کار برده است یا در موضوعات پیرامونی قرآن کریم چقدر می‌توانید صحبت کنید، پاسخ کافی نخواهید شنید. ضرورت آشنایی با قرآن به‌حدی است که باید به‌عنوان یک واحد درسی در همه رشته‌ها و حداقل در رشته‌های دینی تدریس شود. شهید مطهری در کتاب کم‌نظیرش با عنوان «شناخت قرآن» از سه نوع شناخت مهم درباره هر نوع کتابی، به‌خصوص قرآن سخن می‌گوید.

نخست؛ شناخت سندی یا انتسابی که نشان می‌دهد انتساب کتاب به نویسنده‌اش صحیح است یا خیر؟ ما کتاب‌های متعددی را شاهدیم که محققان، انتساب همه یا بخشی از آن‌ها را به نویسنده معروفش روا نمی‌دانند، مانند تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی یا تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) یا مصباح‌المتعبد و سلاح‌المتعبد شیخ طوسی و... نمونه دیگر دیوان حافظ است که نسخه‌های ۴۰ سال قبل، دو برابر نسخه‌های فعلی بوده و یا رباعی‌های خیام را برخی ۲۰ و برخی ۲۰۰ عدد می‌دانند. کدام‌یک واقعاً منسوب به نویسنده است؟

در مورد قرآن کریم که کلام‌الله است، هیچ‌گونه شبهه‌ای وجود ندارد که همه‌اش کلام خداست و هیچ‌کس ادعا نکرده که بخشی از قرآن، متعلق به من می‌باشد؛ از این‌رو در انتساب قرآن به خداوند شکی نیست.

دوم؛ شناخت تحلیلی که نشان می‌دهد محتوای کتاب چیست و چه هدفی را دنبال می‌کند؟ درباره انسان، جهان، جامعه و عاقبت هستی چه نظری دارد؟ ایدئولوژی و جهان‌بینی آن چیست؟ این‌گونه شناخت نیز در مورد قرآن کریم، پیش از هر تحقیقی لازم است تا جهت‌گیری قرآن معلوم باشد.

سوم؛ شناخت ریشه‌ای؛ یعنی پس از احراز دو شناخت پیشین، آیا محتوای این کتاب، ریشه در کتاب دیگری دارد یا از دیگران وام گرفته، تقلید کرده، افترا زده یا خیر؛ بلکه محتوای کتاب همه از فکر بدیع نویسنده نشأت گرفته است؟ قرآن کریم از این امتحان هم سربلند بیرون آمده و ریشه در هیچ کتاب بشری ندارد و سرچشمه آن فقط علم باری تعالی است و نیز هیچ کس نتوانسته تاکنون تغییری در آن ایجاد کند. رهبری در این باب طی دست خطی مرقوم فرمودند که: «از جمله مطالب مسلم و غیرقابل خدشه در نظر ما، آن است که قرآن مجید که امروزه در اختیار مسلمین عالم است، عیناً همان است که بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نازل گشته و در صدر اول و همه دوران هزار و چهارصدساله در میان مسلمانان، متداول و معروف بوده است، بدون کلمه‌ای کم یا کلمه‌ای زیاد ...» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۲/۱). ایشان در بیانات خویش در آغاز درس خارج فقه، به انزوای قرآن در حوزه‌های علمیه اشاره کردند که تفصیل آن در بخش اُنس با قرآن خواهد آمد، ولی به نکته‌ای اشاره کردند که در اینجا لازم است بیاید. فرمودند: قرآن منزوی است در حوزه ما، برای مثال علم قرآن، مسائل مربوط به قرآن و همین چیزهایی که با عنوان علوم قرآن شما می‌بینید که رایج شده است ... (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

۲-۳. جایگاه محوریت برای قرآن

یک مسلمان که خود را پیرو قرآن می‌داند، باید زندگی خود را بر محوریت دستورات قرآن قرار دهد. مسلمان بودن، به پیروی و متابعت است، نه به ادعا. قرآن برای ابعاد دنیایی و آخرتی و نیز ابعاد فردی و اجتماعی بشر حرف دارد و باید به کار بسته شود. رسول مکرم اسلام (ص) به مردم امر فرمود که اگر در امری درمانده شدید و به فتنه افتادید، بر شما باد به قرآن (فَإِذَا التَّبَسَّطَ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ...) (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۹۸/۲). در دین‌شناسی آیت الله خامنه‌ای، اسلام به صورت یک مکتب منسجم فکری، با مرکزیت قرآن است. در اندیشه ایشان، قرآن شبکه‌ای سازوار و نظام‌مند می‌باشد، مشتمل بر آموزه‌ها، گزاره‌ها و باورهای اسلامی و البته باید گفت که قرآن چون نسخه ارزشمندی از یک پزشک حاذق است که بودن آن به خودی خود شفابخش نیست، بلکه عمل به آن، دوا می‌دهد. امام خمینی (ره) در این باب معتقد است، قرآن شفای دردهای درونی می‌باشد و هر مریض را به طوری علاج می‌کند (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۱۸۵). آیت الله خامنه‌ای نیز در سخنرانی خویش فرمود: در قرآن حکمت هست، در قرآن نور هست، در قرآن شفا هست. همه این عقده‌هایی را که در دل و جان انسان به وجود می‌آید، بر اثر چالش‌های موجود مادی دنیا، سرانگشت حکمت قرآنی می‌تواند باز کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۷/۱۴). برای رسیدن

به این فوائد، باید قرآن محور زندگی و امام و پیشوا باشد تا همچون پزشک، بیماری‌های جسمی و روحی انسان را شفا دهد.

۳-۳. رجوع به حدیث ولی همراه با پالایش آن

شکی نیست که پیامبر (ص) در حدیث متواتر ثقلین، توصیه به متابعت از قرآن و عترت فرموده‌اند. قرآن که در دسترس است، ولی عترت خیر؛ و آنچه از عترت قابل دسترسی است، همانا روایت‌های رسیده از معصومان (ع) می‌باشد که در یک اصطلاح عام‌تر به «سنت» مشهور است. براساس دلایل متعدد قرآنی و عقلی، سنت در کنار قرآن منبع می‌باشد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۱/۱-۴۵). سنت در مواضع متعددی به کمک تفسیر قرآن می‌آید، مانند: توضیح آیه، بیان مصداق خاص، بیان جزئیات احکام، بیان شأن نزول، ارائه درون آیات، بیان یک آیه با آیات دیگر و... اما این همه کارکرد بدان معنا نیست که «چشم بسته» باید هر حدیثی را پذیرفت، به خصوص در حوزه تفسیر کلام خدا. بر این اساس، یکی از پیش‌نیازهای تفسیر، پالایش سنت تفسیری است. رهبری علاوه بر تأکید بر اهمیت روایت در مواضع مختلف و تأکید بر قرین بودن عترت و قرآن، معتقدند که هیچ منبعی نباید بر قرآن تحمیل شود. پس براساس نظر ایشان، مصدر اصلی معارف ما ثقلین هستند، اما باید اصل معنا از قرآن استخراج گردد و روایت به عنوان توضیح و تأکید در تفسیر به کار آید. ایشان به محققان توصیه می‌کنند که نه سنت‌پذیر صرف باشند و نه سنت‌ستیز صرف؛ بلکه روایت را در حدّ خودش مدّ نظر قرار دهند. آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تأکید بر این موضوع، معتقد است که علاوه بر اینکه باید مهم‌ترین پایه‌های فکری اسلام از سازنده‌ترین و زنده‌ترین ابعادش، در خلال آیات رسا و روشن قرآن جست‌وجو شود... همچنین در موارد لازم می‌بایست از روایت‌های صحیح صادر شده از پیامبر خدا و ائمه معصومان علیهم‌السلام برای توضیح و تأکید بهره گرفته شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۵). همچنین ایشان در تفسیر سوره برائت چنین می‌فرمایند: «وقتی با روایتی مواجه می‌شویم، پیش از اینکه به سند و متن آن بپردازیم، باید به قرآن مراجعه کنیم؛ به خصوص اگر روایات با هم معارض شدند، آن را به کتاب خدا عرضه نماییم و روایت موافق با قرآن را قبول و روایت مخالف قرآن را رد کنیم؛ چنانچه امام صادق علیه‌السلام در حدیثی می‌فرماید: «إذا ورد علیکم حدیثان مختلفان فاعرضوهما علی کتاب الله فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فردوه» کتاب خدا از نظر زبان عربی، برای همه قابل فهم است و ادبیات روشنی دارد (حرعاملی، ۱۳۸۰: ۱۱۸/۲۷).

۳-۴. کشف ساختار حاکم بر قرآن

یکی از مبانی مهم در فهم هر سخن یا هر متنی، آن است که روح کلی کلام استخراج شود و به مجرد دیدن یک بخش از سخن یا پیام، تفسیر نگردد و درباره آن قضاوت نشود؛ به خصوص سخن یا

متنی که اسلوب بیانی خاصی داشته باشد. این مهم، در مورد قرآن کریم بسیار مهم‌تر است، زیرا اهمیت و بزرگی آن به اندازه عظمت گوینده آن است، آنجا که پیامبر (ص) می‌فرماید: «فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ» (حویزی، ۱۳۸۳: ۲۶۴/۵). از این رو ساختار و اسلوب سخن حق تعالی مانند سخن بشر نیست و کشف این اسلوب، نه تنها نیاز به علوم مقدماتی مشهور برای انجام عمل تفسیر دارد - مانند ادبیات عرب، معانی و بیان، کلام، تاریخ، علم قرائات، علوم مربوط به حدیث، فقه و اصول فقه و... - بلکه نیازمند دانش‌های زبان‌شناختی و مطالعات ادبی نیز می‌باشد. ساختار توحیدی و مبتنی بر علم و حکمت الهی بر سراسر قرآن حاکم است و جزئی‌نگری و عدم توجه به این ساختار، منتج به تفسیر غلط و ناروا می‌گردد؛ مانند نگاه اشاعره به آیات ناظر بر صفات باری تعالی. کشف ساختار حاکم بر قرآن، به عبارت دیگر کشف روابط بینامتنی بین آیات است. یکی از نظریه‌پردازان روابط بینامتنی می‌گوید: تنها جمله‌ای که می‌توان تصور کرد که بدون روابط بینامتنی بیان شده باشد، نخستین جمله‌ای است که حضرت آدم به حوا گفت! (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۳۷). رهبری در تبیین نوع ساختار و زبان قرآن می‌فرمایند: در قرآن، بیان، مثل بیان کتاب‌های بشری نیست که یک فصل بندی کنند، موضوع بندی نمایند؛ نه خدای متعال در قرآن گاهی با یک کلمه، با یک اشاره، یک دریای معرفت را به سمت انسان سرازیر می‌کند که اگر چنانچه تدبیر نمائیم، اگر فکر کنیم، اگر ابعاد را بسنجیم، اگر از خرد بشری برای فهم آن استفاده نمائیم، گاهی معارف عجیبی در یک کلمه برای انسان حاصل می‌شود. یا فرض کنید که در ضمن یک حکایتی که قرآن بیان می‌کند، کوتاه یا بلند، راجع به پیغمبران یا غیر پیغمبران - که در قرآن داستان‌های فراوانی از گذشتگان وجود دارد - در خلال آن، یک مطلبی را به ما تعلیم می‌دهد و ما از آن استفاده می‌کنیم (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱/۲۵)، پس تفسیر قرآن باید با توجه به روح کلی قرآن انجام شود.

۳-۵. توجه به ذات «پیشرفت‌گرا و تحول‌خواه» قرآن در تفسیر

یکی از نکات بسیار مهم و منحصر به فرد که آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع قرآن پژوهی بدان توجه دارند، موضوع تحول‌خواهی و پیشرفت‌گرایی قرآن است. به عبارت دیگر قرآن انسان‌هایی را که درجا می‌زنند و به فکر پیشرفت زندگی مادی و معنوی خود نیستند را نمی‌پسندد. براساس تأکید ایشان قرآن به طور ذاتی تحول‌خواه و پیشرفت‌گراست، نه عَرَضی و نه به‌عنوان هدف ثانوی. نگارنده سطور، کمتر دیده که نخست اندیشمندی به این نکته مهم در حوزه مبانی و پیش‌نیازهای تفسیر قرآن اشاره کند؛ و دوم مفسری به این نکته مهم توجه کرده و تفسیر خود را بر این اساس بنیان نهد و مسائل و معضلات جامعه و کشور، با تکیه بر آموزه‌های قرآنی حل شود.

در قرن چهاردهم قمری که رویکردهای اصلاحی به‌وجود آمد و توجه به قرآن زیاد شد، اندیشمندان و مصلحان جامعه تأکید کردند که عقب‌ماندگی ملت‌ها به‌سبب دور شدن از معارف قرآن است. از این‌رو موجی از نگرش‌های جدید به قرآن و تفسیر به‌وجود آمد و پیشرفت جامعه، مرسوم رجوع به قرآن دانسته شد، اما این نوع نگاه‌ها تا زمانی که به ذات تحول‌خواه قرآن توجه نشود، فایده‌چندانی ندارد، چون نگاه تحول‌خواهی و پیشرفت‌طلبی نهادینه نشده است. بر این اساس، چه زمانی که به‌علت سیادت علم و اوج‌گیری دستاوردهای علمی، «تفسیر علمی» نوشته می‌شود؛ چه زمانی که به‌علت گرایش به مسائل جامعه و اصلاحات اجتماعی، «تفسیر اجتماعی» نوشته می‌شود، چه زمانی که برای آیات الاحکام، تفسیر فقهی نوشته می‌شود و چه زمانی که برای اهداف تربیتی اسلام، تفسیر اخلاقی و تربیتی نوشته شود، در همه حال باید روح «تحول‌خواهی» و «پیشرفت‌طلبی» مدنظر مفسر باشد؛ چراکه جوهره قرآن همین است.

تحول‌خواهی و ایجاد تغییر به سمت پیشرفت، هم در حوزه فردی و هم در حوزه اجتماعی بسیار مورد توجه ائمه علیهم‌السلام بوده است. برای نمونه امام کاظم (ع) می‌فرماید: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ اسْتَوَى يَوْمًا فَهُوَ مَغْبُونٌ وَمَنْ كَانَ آخِرَ يَوْمِيهِ شَرًّا فَهُوَ مُلْعُونٌ وَمَنْ لَمْ يَتَفَقَّدِ النَّفْصَانَ فِي عَمَلِهِ كَانَ النَّفْصَانَ فِي عَقْلِهِ وَمَنْ كَانَ نَقْصَانًا فِي عَمَلِهِ وَ عَقْلِهِ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ حَيَاتِهِ» (محمدری شهری: ۴/ ۵۰۷؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۳۲۷/۷۸).

آیت‌الله خامنه‌ای در سخنان خویش خطاب به جمعی از روحانیون به تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۷۰ در مورد لزوم برنامه‌ریزی برای تحول بخشیدن و پیشرفت روزافزون مساجد، با تکیه به حدیث مذکور فرمودند: «اگر امروز - که روز حاکمیت اسلام و ارزش‌های اسلامی است - مساجد به‌همان شکل، بلکه در مواردی با اُفت کیفی و کمی اداره شود، آیا این مقتضای حق و مصلحت است؟ آیا این پیشرفت است؟ پس «من استوی یوماه فهو مغبون» یعنی چه؟».

شایان ذکر است که حدیث مذکور با کمی تفاوت تعبیر، در منابع مختلف شیعی و گاه از قول امام ششم و امام هفتم (ع) نیز ذکر شده است.

۳-۶. توجه به لایه‌ای بودن قرآن

قرآن، آخرین کتاب الهی و پیامبر اسلام، آخرین فرستاده خداست و از همین رو، جاودانگی و جامعیت قرآن قابل توجه می‌باشد. یکی از مبانی مهم در تفسیر این است که قرآن دارای الفاظی می‌باشد که به‌سبب پوشیدگی حقیقت معنای لفظ و غرض اصلی گوینده، نارساست و علاوه بر ابهام، هم‌زمان شبهه‌برانگیز نیز می‌باشد که این ویژگی به‌تعبیر اندیشمندان قرآنی، «ذو بطون بودن» قرآن را می‌رساند. این مهم در روایت‌های متعددی مطرح شده است، مانند آنچه از رسول اکرم (ص) نقل

می‌شود که فرمودند: «وَلَهُ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ، فَظَاهِرُهُ حَكْمٌ وَباطِنُهُ عِلْمٌ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۸/۴-۳۹۹). یا امام محمد باقر (ع) در جای دیگری فرمودند: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَباطِنًا وَلِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ» (حرعاملی، ۱۳۸۰: ۱۹۲/۲۷). در برخی روایات، به جای هفت، عدد هفتاد را می‌بینیم که دلیل بر کثرت است. ظاهر یا ظهر آن چیزی است که رو می‌باشد و باطن برخلاف ظاهر، آن چیزی است که پوشیده باشد. امام خمینی (ره) در باب اهمیت توجه مفسر به ذو بطن بودن قرآن، می‌نویسند: «معارف قرآن، از معرفت‌الذات گرفته تا معرفت‌الافعال، همه در قرآن مذکور است و هر طبقه‌ای به اندازه استعداد خود درک می‌کنند. برای مثال آیات توحید، به خصوص توحید افعالی را علمای ظاهر و محدثان و فقها طوری بیان و تفسیر می‌کنند و علمای باطن و اهل معرفت، طور دیگری؛ و البته من هر دو را در محل خود درست می‌دانم؛ چون قرآن شفای دردهای درون است و هر مریض را به شکلی درمان می‌کند و هر طبقه‌ای به قدر استعداد خودشان ادراک می‌نمایند» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۵).

آیت‌الله خامنه‌ای در همین باب در جمع طلاب، فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم می‌فرمایند: «... ما هر وقت به قرآن مراجعه می‌کنیم، چیز جدیدی پیدا می‌کنیم و بزرگترهای ما هم همین‌طور بوده‌اند؛ یعنی می‌گویند هر وقت به قرآن مراجعه می‌نمائیم و تدبر می‌کنیم، یک حرفی می‌یابیم که پیش‌تر نیافته بودیم. این حرف تازه است. بعضی‌ها نگویند هرچه حرف تازه هست، در دین هست، چه حرف تازه‌ای می‌خواهید! بله، ما دین را درست نشناخته‌ایم. حرف‌های تازه دین را باید دریابیم. این‌طور نیست که همه حرف‌های دین، همین چهار کلمه‌ای است که من و شما در کتاب‌ها و منبرهایمان می‌گوئیم. خیر، بیش از این‌هاست. شما برو جلو، خدا به تو خواهد داد...» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). ایشان در جمع قاریان نیز فرمودند: «هرچه از قرآن فرا بگیرید، باز یک باب دیگری هست که گشوده شود، گره دیگری هست که باز گردد، مجهول دیگری هست که معلوم شود، قرآن این‌جوری است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۵/۳۱). سخن ایشان نشان می‌دهد که مفسر ابتدا باید توجه داشته باشد که قرآن منحصر در سطوح ظاهری نیست، و دوم، فهم قرآن را منحصر در فهم پیشینیان و عالمان دیگر نشمارد، بلکه تلاش کند تا به معانی جدیدی برسد که البته باید مراعات شرایط فهم بطن را بنماید، وگرنه دچار تفسیر به رأی می‌شود.

آیت‌الله خامنه‌ای در جمع قاریان قرآن به تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۷۰ در همین موضوع فرمودند: «البته قرآن دریای عمیقی است، بحر واسعی است که نهایی ندارد، هرچه پیش بروید چه در سطح و چه در عمق، همچنان امکان پیش‌روی وجود دارد. یعنی معانی قرآن تمام‌شدنی نیست. این موضوع یعنی «تشبیه به دریای وسیع» و «تمام‌نشده بودن قرآن» را در مضامین متعددی از کلام مولایمان

امیرالمؤمنین (ع) می‌بینیم. برای مثال آنجا که می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تَطْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَ سِرَاجًا لَا يَحْبُو تَوَقُّدُهُ وَ بَحْرًا لَا يُدْرِكُ قَعْرَهُ» یا در جای دیگری از کلام امام آمده: «لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تَقْضَى غَرَائِبُهُ».

۳-۷. توجه به نور بودن قرآن

یکی از مهم‌ترین خصوصیات نور این است که خودش فی ذاته آشکار می‌باشد و اشیاء در سایه او نمایان می‌شوند، خداوند به استناد آیات نورانی قرآن کریم از این کتاب مُنَزَّل به نور تعبیر کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (نساء/۱۷۴). یا در سوره شوری در این‌باره چنین می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آیه ۵۲) و در آیات متعدد دیگری نیز به این نام مزین شده است: (اعراف، ۱۵۷) (مائده: ۱۵) (مائده: ۴۶) نور قرآن نور مادی و محسوس نیست، بلکه فراتر از آن می‌باشد، نور قرآن، نور علم است، عقول را بارور می‌کند و حق و حقیقت آشکار می‌نماید و باطل را زائل و نابود می‌کند. جنس نور قرآن از یقین است. در احادیث نیز به «نور بودن» قرآن فراوان اشاره شده، چنانچه که امام علی (ع) در این‌باره چنین می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا...» (خطبه: ۱۹۸).

مفسر باید قرآن را نور بداند و برای نورانی شدن و رفع ظلمات شرک، کفر و جهل به تفسیر آن بپردازد. رهبری از بین اوصاف قرآن، به «نور بودن قرآن» توجه وافر دارند. ایشان در دیدار جمعی از قاریان قرآن فرمودند: قرآن همه چیز ماست، نور است، جَدًّا نور است و این جوان‌های ما از وقتی با قرآن مأنوس شدند، بسیار فرق کردند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳). آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم اختتامیه مسابقات قرائت قرآن می‌فرماید: «قرآن نور است، حقیقتاً دل و روح را روشن می‌کند. اگر با قرآن انس پیدا کنید، می‌بینید که دل و جان شما نورانی شده و بسیاری از ظلمت‌ها و ابهام‌ها از قلب انسان و روح انسان به برکت قرآن زوده می‌شود، چنانچه خداوند فرموده: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره، ۲۵۷). به برکت قرآن است که انسان از ظلمات اوهام، اشتباهات، خطاها و غلط‌ها به نور هدایت راه پیدا می‌کند. قرآن کتاب معرفت است، از طرف دیگر بشر مشحون به جهالت‌ها می‌باشد. قرآن برای انسان معرفت می‌آورد، کتاب نور است، کتاب معرفت، کتاب نجات، کتاب سلامت، کتاب رشد و تعالی و کتاب قرب به خدا» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۳/۱۰/۱۴).

طبق این آیه مذکور در سوره بقره، خداوند ولایت خود را به مؤمنان این‌گونه معرفی کرده است که ایشان را از ظلمات به نور می‌برد و این مهم را از راهی جز قرآن کریم انجام نمی‌دهد. پس مفسر باید تمام تاریکی‌های قلب و فکر خود را به نور الهی در قرآن بسپارد و از آن، راه چاره بطلبد. نگارنده

سطور در کتاب «اصول تفسیر قرآن برگرفته از روایات اهل بیت علیهم السلام، آنگاه که اصول تفسیر قرآن را یک به یک برمی‌شمرد، یکی از آن اصل‌ها را چنین معرفی می‌کند: «اصل دردمندانه سراغ قرآن رفتن» (اخوان مقدم، ۱۳۹۳: ۲۳۰). «یعنی قرآن را در واقع شفای دردها دانستن و از او طلب نور و شفا کردن.» آیت‌الله خامنه‌ای چنانچه گذشت؛ نورانیت قرآن را به ظلمانیت انسان ربط داده و تصریح کردند که برای شفای این تاریکی‌ها باید به سراغ قرآن رفت. امام خمینی (ره) نیز در همین موضوع می‌نویسد: «... قرآن شفای دردهای درونی است و هر مریضی را به نوعی علاج می‌کند» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۵). در دیدار با جمعی از قاریان نیز معظّم‌له فرمودند: «شما جوان‌های عزیز و همه جوان‌هایی که این حرف را می‌شنوند در سراسر کشور، بدانند در قرآن حکمت هست، در قرآن نور هست، در قرآن شفا هست، همه این عقده‌هایی که بر اثر چالش‌های موجود مادی دنیا در دل و جان انسان به وجود می‌آید، سرانگشت حکمت قرآنی می‌تواند آن را باز کند؛ این واقعیت است...» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۷/۱۴).

۳-۸. انس با قرآن

جامعه ما یک جامعه اسلامی است و قرآن کتاب هدایت بشر و قرار گرفتن او در مسیر صحیح چگونه زیستن است و تحقق جامعه قرآنی منوط به انس اقشار مختلف جامعه با قرآن می‌باشد؛ از این رو انس با قرآن، پیش‌نیاز مهم دیگری است که زمینه را بر پژوهش‌های قرآنی هموارتر می‌کند؛ کسی که با قرآن مأنوس است، با دیدن هر آیه، آیات نظیر یا متناسب با آن به ذهن‌اش تبادر می‌کند. به علاوه، انس با قرآن فایده مهم‌تری هم دارد و آن این است که بین تهذیب نفس و اعطای فهم قرآن از طرف خداوند، رابطه مستقیم وجود دارد و کسی که با قرآن انس یابد، به درجات بالاتری از پاکی نفس و دوری از هوا و هوس می‌رسد. انس با قرآن از شناخت آن حاصل می‌شود و شناخت قرآن به ایجاد رابطه‌ای آرام‌بخش و مطمئن در انسان می‌گردد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰). ایشان فرمودند: «تلاوت قرآن یک ثواب است، اما وسیله‌ای است برای معرفت.» ایشان با اشاره به حدیث معروف «اشراف امتی...» بر عبارت «حَمَلَةُ الْقُرْآن» تأکید کرده و حامل قرآن را کسی می‌دانند که با قرآن انس دارد و می‌فرمایند: «حَمَلَةُ الْقُرْآن» کسانی هستند که با قرآن مأنوس‌اند؛ قرآن در دل، جان و زبان‌شان است و معارف قرآن را می‌دانند. «معظّم‌له به درستی بین حمل قرآن و حفظ قرآن تفاوت قائل شده و «حَمَلَةُ الْقُرْآن» را حافظان قرآن نمی‌دانند و تأکید می‌کنند که حافظ بودن به تنهایی سودی ندارد و حفظ قرآن خوب است، به شرطی که «حمل قرآن» هم با آن باشد؛ بنابراین حامل قرآن می‌تواند اصلاً قرآن را از حفظ نداشته باشد.

به این حدیث شریف توجه کنید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَ أَصْحَابُ اللَّيْلِ». به‌راستی چرا میزان شرافت یک مسلمان، حمل قرآن است! چون کسی که حامل قرآن می‌باشد (و نه فقط حافظ آن و از برکننده آیات)، به قرآن معرفت دارد و چون معرفت دارد و گوینده را می‌شناسد، به اهمیت دستورات قرآن توجه دارد و از این‌رو بدان عمل می‌کند. پس شرافت او به جهت عمل کردن به اوامر و دوری از نواهی کلام‌الله است. این امر بسیار مهم یعنی ارتباط حمل قرآن و عمل به آن، و نیز شریف بودن و محترم بودن حاملان قرآن را در حدیث شریف دیگری می‌بینیم. «عَنْ أَبِي دَرٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا دَرٍّ إِنَّ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِكْرَامَ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ وَ إِكْرَامَ حَمَلَةَ الْقُرْآنِ الْعَامِلِينَ بِهِ وَ إِكْرَامَ السُّلْطَانَ الْمُقْسِطِ»، براساس این روایت که طویل است و بخشی از آن را آوردیم، احترام و بزرگداشت حاملان قرآن، معادل بزرگداشت پروردگار می‌باشد. امید که حافظان قرآن به درجه اُنس با قرآن و حاملان آن برسند و نیک می‌دانیم که اکنون چنین نیست.

آیت‌الله خامنه‌ای در مورد انس با قرآن در مناسبت‌های مختلف و به مخاطبان مختلف توصیه‌های جدی دارند که از جمله آن‌ها توصیه به حوزویان است. چه بسا فتاوی‌ای که صادر می‌شود و با روح کلی قرآن تناسبی ندارد و این نیست مگر به جهت عدم اُنس حوزویان با قرآن کریم. ایشان در آغاز درس خارج فقه سال ۱۳۷۰ مطلب بسیار مهمی را به حوزویان گوش‌زد کرده و فرمودند: «نباید در حوزه‌ها به فقه اکتفا شود و از علوم دیگر غفلت گردد؛ مانند شناسائی قرآن، فهم قرآن، اُنس با قرآن، باید در حوزه‌ها وجود داشته باشد، طلاب ما باید قرآن یا لا اقل بخشی از آن را حفظ باشند، با قرآن مأنوس باشند. اُنس با قرآن باید به‌عنوان یک علم، یک رشته، در حوزه‌ها وجود داشته باشد.» ایشان در ادامه می‌فرمایند: «چقدر مفاهیم اسلامی در قرآن هست که اگر به فقه محدود شویم، به فکر آن‌ها نمی‌آفتیم و این انزوای قرآن در حوزه‌های علمیه و عدم اُنس با قرآن خیلی مشکلات برای ما درست کرده و بعد از این هم درست خواهد کرد و تنگ‌نظری به ما خواهد داد. قرآن منزوی است در حوزه‌های ما،...»

معظم‌له در دیدار با قاریان و حافظان شرکت‌کننده در مسابقات بین‌المللی قرآن، ضمن تأکید بر برخی صفات قرآن مانند نور، هدایت، بیان و تبیان بودن قرآن، فرمودند: «... قرآن با انسان حرف می‌زند، با دل انسان حرف می‌زند، با باطن انسان حرف می‌زند، با قرآن باید مأنوس شد، به قرآن باید نزدیک شد، نخستین بهره‌را دل آماده و مستعد انسان می‌برد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳/۳/۱۳۹۳). در بیان دیگری از ایشان آمده است: «قرآن هم در دل ما اثر می‌گذارد و هم در ذهن ما؛ اگر با قرآن مأنوس شویم، خیلی از مفاهیم حیات و زندگی برای ما روشن می‌شود» (خامنه‌ای، بیانات، ۹۸/۱/۲۶).

۳-۹. توجه به علوم قرآنی

با توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای توجه به مباحثی با عنوان علوم قرآنی آخرین پیش‌نیازی است که در پژوهش‌های قرآنی باید به آن پرداخت. علمی که در خدمت فهم بهتر قرآن هستند و نسبت به معارف درونی قرآن، علوم بیرونی محسوب می‌شوند، دانش‌هایی چون علم محکم و مشابه، علم ناسخ و منسوخ، اسباب نزول، حجیت روایات تفسیری، اعجاز قرآن، تحریف‌ناپذیری، جامعیت، چستی وحی، علوم قرائات، چندمعنایی بودن و ذوجوه بودن قرآن، نوع چینش آیات یعنی توقیفی یا اجتهادی بودن آن و... در این رسته از علوم قرار می‌گیرند. اصطلاح «علوم قرآنی»، پیش‌تر وجود نداشت و در قرن اخیر برای تفکیک بین علوم مرتبط با قرآن به وجود آمد. یکی از محققان معاصر می‌نویسد:

«ورود به مباحث قرآنی، نیازمند تفکیک بین علوم قرآنی و تفسیر قرآن است، از این رو معارف قرآنی را به دو دسته تقسیم می‌شوند: معارفی درباره قرآن و معارفی برگرفته از قرآن. به عبارت دیگر گاه کتاب الهی را به‌عنوان یک پدیده مورد شناخت قرار می‌دهیم و جویای اطلاعاتی درباره آن هستیم که برای مثال چگونه نازل شده یا چگونه تدوین گردیده یا تقسیمات آیاتش چیست یا مفسران‌ش چه کسانی هستند، که این‌ها همه به نام «علوم قرآنی» شناخته می‌شوند؛ اما گونه دیگر، مطالعه محتوای درونی قرآن است. علوم قرآنی برای مطالعه محتوای درونی آیات - و به عبارت دیگر برای تفسیر آیات - حکم مقدمه را دارد» (معرفت، ۱۳۸۹: ۹/۱-۱۰). به‌طور اساسی بخشی از مبانی تفسیری هر مفسر، اعلام موضع او نسبت به علوم قرآنی می‌باشد؛ برای مثال دیدگاه یک مفسر نسبت به اعجاز علمی قرآن، در نوع تفسیر او بسیار اثرگذار است. از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، علوم قرآنی یکی از موارد علمی شیعه است که باید مورد توجه قرار گیرد. ایشان در مورد فایده علوم قرآنی به ایجاد فضای قرآنی در جامعه و لزوم و فائده چنین فضایی توجه وافر دارند. «اصرار بر حفظ و تلاوت قرآن، گسترش جلسات قرآنی در سطح کشور، آموزش علوم و فنون قرآنی به‌خاطر این است که آشنایی با این‌ها و وقت گذاشتن در این رشته‌ها، فضای کشور را فضای قرآنی می‌کند؛ فضا وقتی قرآنی شد، انس با قرآن افزایش و عمومیت پیدا خواهد کرد؛ و انس با قرآن، موجب تدبّر در قرآن و معارف قرآنی می‌شود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۰۴/۰۴). معظّم‌له در کلام مذکور به این نکته توجه داده‌اند که علوم قرآن، خود الزاماً «قرآنی‌شدن» نیست؛ بلکه به سمت «قرآنی‌شدن» هدایت می‌کند و این نکته همان مطلب پیش‌گفته است که دانستیم علوم قرآن، حالت مقدمه دارد، ولی مقدمه‌ای بس مهم و لازم می‌باشد. در بحث انس با قرآن برخی سفارش‌های رهبری مبنی بر توجه به قرآن و علوم قرآن ذکر شد. در ادامه فرمایش ایشان به حوزویان، تصریح به علوم قرآن گردیده و تأکید شده همین علوم قرآن که اکنون رایج گردیده، در حوزه‌ها نیست. ایشان فرمودند: «در عین حالی که فقاهت اساس امر است، از علوم دیگر اسلامی در حوزه‌ها نباید غفلت شود. برای مثال

علم قرآن، شناسایی قرآن، فهم قرآن، انس با قرآن باید به‌عنوان یک علم، یک رشته در حوزه‌ها وجود داشته باشد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱)

۳-۱۰. مرجعیت قرآن

یکی از مسائل مهم در حوزه مطالعات قرآنی، مرجعیت قرآن است و از همین رو در فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای به این موضوع توجه زیادی می‌بینیم. درباره مرجعیت قرآن ما با دو پرسش مهم مواجه هستیم که تا وقتی پاسخ قاطعی برای آن‌ها نداشته باشیم، نمی‌توانیم تفسیر درستی از قرآن ارائه دهیم. سؤال نخست این است که قرآن مرجع می‌باشد یا خیر؟ و اگر مرجع هست، در دنیا است یا فقط دستورات اخروی دارد. پرسش دوم اینکه اگر قرآن برای دنیای ما مرجعیت دارد، در چه حدی پاسخ‌گو است؟ ارائه کلیات یا جزئیات؟

در پاسخ سؤال نخست باید گفت که آری. قرآن هم پاسخ‌گوی زندگی دنیوی ما و هم زندگی اخروی ماست؛ و اتفاقاً یکی از مشکلات بزرگ ما در حوزه کارکرد دین و مطالعات دینی، همین است که دین را فقط برای آخرت مفید می‌دانیم و گمان می‌کنیم که به زندگی ما در دنیا اهمیتی نمی‌دهد، چون دنیا پست و بی ارزش است و لیاقت توجه ندارد. سپس به‌عنوان دلیل، به موضع زهد اشاره می‌کنیم که در قرآن و روایات آمده است. درحالی که «زهد» اصلاً به‌معنای رها کردن دنیا نیست. مگر می‌شود دنیا را رها نمود، درحالی که «مزرعه آخرت» معرفی شده! به فرموده امام کاظم علیه‌السلام ترک دنیا خلاف آموزه‌های دینی است. روایات و سخنان ارزش‌مندی از امام هفتم، حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام نقل کرده است. در بین آن جملات، یک سخن است که می‌فرماید: «اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حِطًّا مِنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ وَ مَا لَا يَتِلَّمُ الْمَرْؤَةُ وَ مَا لَا سَرْفَ فِيهِ وَ اسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ فَإِنَّهُ رُؤْيَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِذِيْنِهِ أَوْ تَرَكَ دِيْنَهُ لِذِيْنَاهُ» (حرانی، ۱۳۹۳: ح ۵۲۲۹).

پیامبر اسلام و جانشینان معصومش همواره با رهبانیت و دوری از دنیا و نعمات آن و ماندن در کوه و دشت برای عبادت مخالفت می‌فرمودند. دنیا هم مخلوق خداست و چونان آخرت زیباست. دنیا معبد بندگان می‌باشد و باید از نعمت‌های آن لذت برد. بابد برای زندگی بهتر تلاش و کار بیش‌تر انجام داد و این تلاش در روایات هم‌ردیف «جهاد در راه خدا» شمرده شده است. آنچه در مورد دنیا مهم است این است که بین دنیاخواهی و دنیاپرستی باید تفاوت گذاشت. تلاش و کار بیش‌تر برای داشتن دنیای بهتر، نه تنها بد نیست، بلکه بدان سفارش هم شده است. خداوند هم می‌فرماید: «... وَلَا تَسْسِ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا...» (قصص، ۷). در روایات آمده که خانه و مرکب خوب از سعادت شخص است. قرآن و روایات، رهبانیت را رد می‌کنند و کسب روزی حلال را می‌ستایند. در روایت

معروف امام کاظم علیه‌السلام که در آن فرمودند شبانه‌روز را به چهار قسمت کنید، سفارش شده که یک قسمت آن باید برای تأمین معاش در دنیا اختصاص یابد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بیان مشابهی می‌فرماید: مؤمن، ساعات شبانه‌روز خود را به سه بخش تقسیم می‌کند: بخشی را به مناجات با پروردگار اختصاص می‌دهد، قسمتی را صرف تأمین معاش و کسب‌وکار می‌نماید و بخشی از وقت خود را برای استفاده از لذت‌های حلال و دل‌پسند دنیا می‌گذارد. بعد می‌فرماید: «لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرْمَةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ» (حکمت ۳۹۰)؛ پس دنیا زشت و مایه دردسر نیست که مجبور شویم بگوئیم «دین ما به دنیای زشت و پست نمی‌پردازد!». اگر بگوئید که امام علی علیه‌السلام فراوان دنیا را نکوهش کرده‌اند، باید در پاسخ گفت که در کنار نکوهش‌ها تحسین‌ها هم فرموده‌اند. برای مثال می‌فرماید: «مَنْ أَبْصَرَ بَصْرَتَهُ، وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتْهُ». هرکس دنیا را نگاه کند، دنیا به او بصیرت می‌دهد و هرکس به دنیا چشم بدوزد، دنیا او را کور می‌کند. پس دنیا دو نقش دارد که دقیقاً مانند دو روی سکه است: سازندگی و تخریب. بستگی دارد که ما از کدام روی دنیا استفاده کنیم. زهد هم در تعالیم دینی تعریف روشنی دارد و به معنای دست برداشتن از دنیا نیست.

آیت‌الله خامنه‌ای در این رابطه می‌فرماید: «قرآن بهترین راه برای جامعه است، کتاب سعادت بشر است، هم در دنیا و هم در آخرت. قرآن فقط برای سعادت آخرت نیست، بلکه سعادت دنیا را هم تأمین می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۶/۲۱).

این سخن ایشان بدین معنا است که مرجعیت قرآن اختصاص به آخرت ندارد. ایشان می‌فرماید: «سعادت دنیا یعنی برخورداری از نعم الهی، یعنی رفاه مردم، یعنی عزت مردم. این‌ها همه با قرآن می‌تواند تأمین شود. با قرآن و عمل به قرآن ملت‌ها عزت پیدا می‌کنند، رفاه پیدا می‌کنند، دانش و قدرت پیدا می‌کنند، همه این‌ها امور دنیوی است و البته آخرت هم با قرآن تأمین می‌شود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۶/۲۱).

ایشان فرمودند: «قرآن علاوه بر جنبه معرفتی و معرفت‌آموزی، دستورات کاربردی برای زندگی دارد. یعنی محیط زندگی را آباد می‌کند و زندگی را از سلامت و امنیت برخوردار می‌نماید. براساس سخن ایشان، نباید قرآن را به جنبه‌های معرفتی و دینی محض منحصر کرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۰۲/۰۶).

ایشان به آیه «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ» (مانده، ۱۶)، تصریح فرموده و معتقدند همه راه‌های سلامت، امنیت، آرامش، رفاه و مانند آن در این آیه مورد اشاره قرار گرفته و قرآن برای تنظیم زندگی و مناسبات اجتماعی حرف دارد.

هدف آیت‌الله خامنه‌ای این است که یک جایگاه ویژه و محوری برای قرآن فراهم کنند، آن هم در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان. ایشان در موضوع مهجوریت قرآن نیز سخن فراوان گفته‌اند و با اشاره به آیه ۳۰ سوره فرقان که می‌فرماید: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»؛ معتقدند مرجعیت قرآن نقطه مقابل مهجوریت آن است، زیرا اگر قرآن مرجع نباشد، به معنای واقعی مهجور و ترک شده خواهد بود. ایشان می‌فرمایند: «اگر اسلام به معنای اعتقاد و عمل در جامعه وجود داشته باشد، و حاکمیت قرآن برقرار نباشد، در چنین جامعه‌ای قرآن مهجور است و مصداق آیه سوره فرقان. هجر قرآن به چه معناست؟ بی‌شک به این معنا نیست که قرآن و اسم قرآن و اسم مسلمانی رفع شده، اینکه اصلاً «اتخاذ» نیست. پس «اتخاذ» شده، یعنی قرآن را دارند، ولی همراه با هجر. فقط خوانده می‌شود، اما در زندگی مردم جایی ندارد و مرجع و محل رجوع آن‌ها نمی‌باشد. تلاوت می‌شود و احترام ظاهری می‌گردد، ولی به آن عمل نمی‌شود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۳/۶/۴).

پس از پرداختن به پرسش نخست، اینک و بیان دیدگاه رهبری در این مورد که آیا قرآن اساساً مرجع هست یا خیر؟ و اگر هست در دنیا یا آخرت؟ اینک به سؤال دوم می‌پردازیم که قرآن در چه حدی پاسخ‌گو است؟ بیان کلیات را باید از قرآن انتظار داشت یا جزئیات؟ در این باب حدیث معروفی از امام صادق علیه‌السلام رسیده که مشکل‌گشای این بحث است، آنجا که می‌فرمایند: «عَلَيْنَا الْقَاءُ الْأُصُولِ إِلَيْكُمْ وَ عَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ» (حرعاملی، ۱۳۸۰: ۶۲/۲۷؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۲۴۵/۲) یا بیان مشابه آنکه از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که فرمودند: «قَالَ: إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُؤَلِّيَ إِلَيْكُمْ الْأُصُولَ وَ عَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ» (مجلسی، ۱۴۱۲: ۲۴۵/۲). نیک می‌دانیم بسیاری از مسائل، مستحده هستند و اصلاً در زمان ائمه ایجاد نشده بودند که توقع بیان آن‌ها را داشته باشیم. از این رو باید بر همان اساس و قاعده‌های کلی که دین بیان کرده و براساس مرجعیت قرآن، فروع مورد بررسی قرار گیرند.

آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: «قرآن باید منظومه فکری محقق باشد. قرآن پرورش فکری می‌دهد، عقل و عاطفه را تغذیه می‌کند. وقتی فکر و ذهن‌ات تغذیه و بارور شد، خودت می‌توانی جزئیات را درک کنی.» ایشان در تاریخ نهم بهمن ۱۳۷۶ در تفسیر سوره براءت و بیانات در دیدار مسئولان کشوری و لشکری به مناسبت عید سعید فطر فرمود: «قرآن مجموعه نظام یک زندگی اجتماعی و یک حیات سعادت‌مندانه است.»

آیت‌الله خامنه‌ای همواره بر یک نظام فکری شاقول و معیار و یک معرفت‌مبنایی تأکید دارند که قرآن است و حتی میزان شناخت احادیث و تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام که به دست ما رسیده نیز قرآن است و احادیث معروف به «روایات عَرَضَه» به خوبی این موضوع را نشان می‌دهند. «ابتنای فکری

قرآن محور» همان اصول است که معصومان توصیه فرمودند و فروع باید به این مبانی عرضه شده استوار شوند.

اینک ممکن است این پرسش پیش آید که مگر ما برای هر موضوع و فرع می‌توانیم یک آیه پیدا کنیم که مانند خط‌کش، شاقول و معیار برای ما عمل کند؟ آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر سوره مجادله تعبیر زیبایی دارند که پاسخ این سؤال است. ایشان فرموده‌اند: «هر موضوعی یا متکی به یک آیه یا سوره است، یا متکی به روح قرآن و کلیات قرآن» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۰). پس نباید به دنبال یک آیه خاص باشیم. چهارچوب‌ها و ساختارها را قرآن برای ما مشخص کرده و عبور از آن‌ها خلاف رضای حق تعالی است، اما تا جایی که پا از چهارچوب‌ها فراتر نگذاریم، فروع را می‌توانیم بیان کنیم. پس ابتناء فکری بر اساس قرآن، حل مشکلات ماست.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم به دلایل مختلفی از جمله مفاهیم بلند معنوی و روحانی همچنین نزول در قالب کلامی درخور فهم مخاطبان‌اش از همان عصر پیامبر (ص) به تفسیر و تبیین نیاز داشت. در عصر نزول کلام آسمانی، پیامبر (ص) به عنوان مبین قرآن، مرجع سؤالات صحابه بودند و صحت و سقم تفسیرها را روشن می‌کردند؛ پس از ایشان از دیدگاه شیعه همان وظیفه را با بیان میزان و ملاک برای تمیز سره تفسیر از ناسره آن امامان معصوم علیهم‌السلام به عهده داشتند. با توجه به جامعیت قرآن و نیاز بشر به این کلام الهی در پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها، آشنایی با پیش‌فرض‌های لازم برای تفسیر قرآن، چنانچه مفسران در ۱۴ قرن گذشته، همواره در مقدمه تفاسیرشان مبانی خویش را مطرح کرده‌اند؛ ضروری به نظر می‌رسد. از جمله مفسران معاصر آیت‌الله خامنه‌ای هستند که در بیش‌تر سخنان‌شان از قرآن و تحقیق در قرآن و بایسته‌های قرآنی سخن گفته‌اند. این پژوهش با غور در سخنان معظّم‌له به مواردی چون آشنایی با قرآن؛ جایگاه «محوریت» برای قرآن؛ رجوع به احادیث معصومان علیهم‌السلام ولی همراه با پالایش، کشف ساختار حاکم بر قرآن؛ توجه به ذات «پیشرفت‌گرا و تحول‌خواه» قرآن؛ توجه به لایه‌ای بودن قرآن؛ توجه به نور بودن قرآن؛ اُنس با قرآن برای هر نوع تحقیق؛ توجه به علوم قرآنی؛ و مرجعیت قرآن ذیل عنوان پیش‌نیازهای پژوهش قرآنی دست یافته است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اخوان مقدم، زهره (۱۳۹۳)، اصول تفسیر قرآن برگرفته از روایات اهل بیت علیهم السلام، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳. پاکتچی، احمد (۱۳۹۱)، تاریخ تفسیر قرآن کریم، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴. حاجی اسماعیلی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۲)، مطالعات قرآن و حدیث.
۵. حرانی، ابومحمد (ابن شعبه) (۱۳۹۳)، تحف العقول عن آل الرسول، مترجم: صادق حسن‌زاده، چاپ شانزدهم، قم: ناشر آل علی (ع).
۶. حرعاملی، محمدبن حسین (۱۳۸۰)، «وسائل الشیعه»، ترجمه: علی افراسیابی، مصحح: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ دوم، قم: انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۷. حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۳۸۳)، تفسیر نورالثقلین، مطبعه العلمیه.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، انتشارات صهباء.
۹. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، آداب الصلوه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۱)، «لغت‌نامه دهخدا»، چاپ دوم، تهران: سازمان لغت‌نامه.
۱۱. راغب‌اصفهان‌ی، حسین بن محمد (۱۳۷۵)، «مفردات الفاظ قرآن»، ترجمه و تحقیق: سیدغلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
۱۲. رضایی‌اصفهان‌ی، محمدعلی (۱۳۸۷)، منطق تفسیر قرآن، جلد اول، چاپ اول، قم: جامعه المصطفی‌العالمیه.
۱۳. شریف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۳۷۹)، «نهج‌البلاغه»، ترجمه محمددشتی، قم: مؤسسه فرهنگی-انتشاراتی ائمه علیهم السلام.
۱۴. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۵)، مترجم جلال میرآقایی، انتشارات دارالصدر، ناشر دارالصدر، پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، نوبت اول.
۱۵. علوی‌مهر، حسین (۱۳۹۴)، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم: مرکز بین‌المللی نشر المصطفی.
۱۶. غروی نایینی، نهله؛ ایماندار، حمید (۱۳۸۹)، پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۲.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، اصول کافی، تهران: چاپ اسلامیه.
۱۸. مجلسی، محمدباقربن محمدتقی (۱۴۱۲ق)، «بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۹)، علوم قرآنی، چاپ یازدهم، قم: مؤسسه التمهید.
۲۰. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۶۲)، «میزان‌الحکمة»، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی